

سہ ماہی
آفاقہ



بسم الله الرحمن الرحيم

ای مهدی! ای حماسه جاوید! چشم‌های همه پاکان به راهت فروهیخته تا تو از راه رسی. ای مهدی! ای زورق نجات! جهان پرتلاطم است، کشتی‌ها همه درهم شکسته‌اند جز سگان قلب شیفتگان که چشم به سوی تو دوخته‌اند؛ تا توییایی. ای مهدی! ای کرانه امید! دل‌ها همه به تیرگی گرائیده، یتیمان همه تنه‌ایند تا دست پرعطوفت تو بر سر آن‌ها قرارگیرد. ای مهدی! ای ساحل آرامش! دل‌های باورمندان در تب و تاب است تا تو بپاخیزی. ای مهدی! ای صبح پیروزی! شب به درازا کشیده و مردمان عصرخفته‌اند جز چشم پرتلهاب یاران که قیام پرشکوه تو را نظاره می‌کنند. تو بیا تا شکوفه‌های امید دوباره بشکفند. و تو بیا تا که سبزه‌زاران، طراوت نو گیرند. ای خورشید تابناک، تا به کی پرده نشینی؟! ای ماه درخشان شب‌های تار، تا به کی در پس ابرها پنهانی؟! آه ای قلم! چه می‌گویی؟! عنان سخن را برگیر که او خود نیز چشم به راه است. ندای یارخواهی‌اش قرن‌هاست که به گوش می‌رسد اما جز اندک نیکان، دیگران اجابتش نکرده‌اند.

صدای پرتنین دعایش بر فرج و گشایش، صدها سال است که از گوشه و کنار بلند است، اما آمین‌گویان راست کردار، کمیاب.

بیاییم با پیمان ولایت برآستان ولایت مدارش دست بیعت را بسویش دراز کنیم و با مددخواهی از حضرت حق زنگارهای پلیدی را از جان خویش بزدااییم و قلب و جان را به نیوشیدن کلمات گهربار او و پدران پاکش صفا بخشیم و هر صبح و شام فرج حضرتش را از خدای متعال مسئلت کنیم و همیشه این دعا را از صمیم جان زمزمه کنیم که:

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

آفتاب مهر

دوازدهمین پیشوای معصوم، حضرت حجت بن الحسن المهدی، امام زمان عجل الله تعالی فرجه در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در شهر «سامراء» دیده به جهان گشود.^۱ او هم‌نام پیامبر اسلام (م ح م د) و هم‌کنیه آن حضرت (ابو القاسم) است.^۲ ولی پیشوایان معصوم از ذکر نام اصلی او نهی فرموده‌اند.^۳

^۱ - شیخ مفید، الارشاد، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۳۴۶-فتال نیشابوری، روضه الواعظین، الطبعه الاولی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ه. ق، ص ۲۹۲-کلینی، اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه. ق، ج ۱، ص ۵۱۴-طوسی، الغیبه، تهران، مکتبه نینوی الحدیثه، ص ۱۴۱-طبرسی، اعلام السوری، الطبعه الثالثه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ص ۴۱۸-ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ط قدیم (بی تا)، ص ۳۱۰. در بعضی از مآخذ، تاریخ تولد حضرت، سال ۲۵۶ هجری ضبط شده است (صدوق، کمال الدین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعه المدرسین بقم المشرفه، ۱۴۰۵ ه. ق، ص ۴۲۲-طوسی، الغیبه، ص ۱۳۹ و ۱۴۷) و در برخی دیگر، سال ۲۵۸ (علی بن عیسی الاربلی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ه. ق، ج ۳، ص ۲۲۷-ابن ابی الثلج بغدادی، تاریخ الائمه، قم، مکتبه بصیرتی (ضمن مجموعه نفیسه)، ص ۱۵ ذکر شده است و ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری آن را در سال ۲۵۷ می‌داند (دلائل الامامه، الطبعه الثالثه، قم، منشورات الرضی، ص ۲۷۱ و ۲۷۲).

^۲ - شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۴۶-طبرسی، همان کتاب، ص ۴۱۷-اربلی، همان کتاب، ص ۲۲۷-ابن صباغ، همان کتاب، ص ۳۱۰.

^۳ - صدوق، همان کتاب، ص ۶۴۸-کلینی، همان کتاب، ص ۳۳۲-مجلسی، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۳ ه. ق، ج ۵۱، ص ۳۱-۳۴. ولی آیا نهی ائمه از ذکر نام مخصوص آن حضرت، یک اقدام سیاسی مقطعی و مربوط به دوران غیبت صغری بوده یا این که حرمت ذکر نام آن حضرت تا هنگام ظهور و قیامش باقی است؟ در میان علمای شیعه مورد اختلاف است (ر. ک به: حاج میرزا حسین طبرسی نوری، النجم الثاقب، تهران، انتشارات علمیه اسلامی، باب ۲، ص ۴۸ و ۴۹).

از جمله القاب آن حضرت، حجت، قائم، خلف صالح، صاحب الزمان^۱، بقیت الله^۲ است و مشهورترین آن‌ها «مهدی» می‌باشد.^۳

پدرش، پیشوای یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش، بانوی گرامی «نرجس» است^۴ که بنام «ریحانه»، «سوسن» و «صقیل» نیز از او یاد شده است.^۵ میزان فضیلت و معنویت نرجس خاتون تا آن حد، والا بود که «حکیمه» خواهر امام هادی علیه‌السلام که خود از بانوان عالیقدر خاندان امامت بود، او را سرآمد و سرور خاندان خویش، و خود را خدمتگزار او می‌نامید.^۶ حضرت مهدی دو دوره غیبت داشت: یکی کوتاه مدت (غیبت صغری) و دیگری دراز مدت (غیبت کبری). اولی، از هنگام تولد تا پایان دوران نیابت خاصه

۱- طبرسی، همان کتاب، ص ۴۱۸- ابن صباغ، همان کتاب، ص ۳۱۰.

۲- مسعودی، اثبات الوصیه، الطبعه الرابعه، نجف، المطبعه الحیدریه، ۱۳۷۴ ه. ق، ص ۲۴۸.

۳- ابن صباغ، همان کتاب، ص ۳۱۰.

۴- شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۴۶- صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۲- طبرسی، همان کتاب، ص ۴۱۸- مسعودی، همان کتاب، ص ۲۴۸- فتال نیشابوری، همان کتاب، ص ۲۸۳- طوسی، همان کتاب، ص ۱۴۳- محمد بن جریر بن رستم طبری، همان کتاب، ص ۲۶۸- ابن صباغ، همان کتاب، ص ۳۱۰.

۵- صدوق، همان کتاب، ص ۴۳۲ و ر. ک به: روضه الواعظین، ص ۲۹۲. برخی از محققان معاصر، احتمال داده‌اند که نام او همان نرجس باشد، و اسامی دیگر به جز صقیل را بانوی پیشین او حکیمه دختر امام جواد-علیه السلام- به وی داده باشد (بنا بر روایاتی، او قبلاً کنیز حکیمه بوده است). مردم آن زمان کنیزان خویش را برای خوشامدگویی، به اسامی گوناگون می‌خواندند و نرجس، ریحانه و سوسن همه اسامی گل‌ها هستند (دکتر حسین جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت‌اللهی، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۷ ه. ش، ص ۱۱۴).

۶- فتال نیشابوری، همان کتاب، ص ۲۸۳- صدوق، همان کتاب، ص ۴۲۷- مجلسی، همان کتاب، ج ۵۱، ص ۱۲.

ادامه داشته و دومی، با پایان دوره نخست آغاز شد و تا هنگام ظهور و قیام آن حضرت طول خواهد کشید.^۱

تولد حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه علمای اهل سنت

اعتقاد به موضوع مهدویت اختصاص به شیعه ندارد، بلکه بر اساس روایات فراوانی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسیده، علمای اهل سنت نیز این موضوع را قبول دارند. منتها آنان نوعاً تولد حضرت مهدی را انکار می‌کنند و می‌گویند: شخصیتی که پیامبر اسلام از قیام او (پس از غیبت) خبر داده، هنوز متولد نشده است و در آینده تولد خواهد یافت!^۲

اهل سنت معتقدند: مهدی نوعی است و هنوز به دنیا نیامده است اما در آینده متولد می‌شود و بعد از بزرگ شدن قیام می‌کند و حکومت جهانی واحد تشکیل می‌دهد.

مثلاً شبراوی شافعی در الاتحاف در این باره می‌گوید: شیعه عقیده دارد مهدی موعود که احادیث صحیحه در رابطه با او وارد شده، همان پسر حسن عسکری خالص است و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد ولی صحیح آن است که او هنوز متولد نشده و در آینده متولد شده و بزرگ می‌شود و او از اشراف آل البیت الکریم است.^۳

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه ذیل خطبه ۱۶ می‌گوید: اکثر محدثین عقیده دارند مهدی موعود از نسل فاطمه سلام الله علیها است و اصحاب ما معتزله آن را انکار ندارند و در کتب

۱ شیخ مفید، همان کتاب، ص ۳۴۶.

۲ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰ م، ج ۷، ص ۹۴ و ج ۱۰، ص ۹۶.

۳ بشراوی، الاتحاف، باب خامس ص ۱۸۰ ذیل فصل الثانی عشر من الائمة ابوالقاسم محمد

خود به ذکر او تصریح کرده‌اند و شیوخ ما به او اعتراف کرده‌اند. فقط فرق آن است که او به عقیده ما هنوز متولد نشده و بعداً متولد خواهد گردید.^۱

اهل سنت بر این مدعی دلیلی از احادیث یا آیات اقامه نکرده‌اند. فقط شهرتی است که در میان ایشان به وجود آمده و این از نتایج منزوی شدن اهل بیت علیهم السلام و برگشتن خلافت اسلامی از آن‌هاست چرا که در اکثر کتب حدیثی اهل سنت احادیث آمده است که: مهدی موعود علیه السلام دوازدهمین امام از ائمه دوازده‌گانه و نهمین فرزند امام حسین علیه السلام و چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام و فرزند بلافصل امام حسن عسکری علیه السلام است و آن حضرت در سال ۲۵۵ هجری در نیمه شعبان در شهر سامرا از مادری به نام نرجس به دنیا آمده است.

بنابراین شیعه و اهل سنت در مهدی موعود شکی ندارند و هر دو عقیده به مهدی شخصی دارند. منتها، دوران‌های تاریک و انزوای اهل بیت علیهم السلام و عصر حکومت‌سیاه بنی‌امیه و بنی‌عباس مانع از آن شد که اهل سنت چیزی را که در کتاب‌های خود نوشته و نقل کرده‌اند در میان خود شهرت بدهند و مانند شیعه منتظر آمدن مهدی شخصی علیه السلام باشند.^۲ با این حال تعداد قابل توجهی از مورخان و محدثان اهل سنت، تولد آن حضرت را در کتب خود

۱ - ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۱

۲ - اتفاق مذاهب در موضوع موعود آخرالزمان، علی اکبر قرش

ذکر کرده و آن را یک واقعیت دانسته‌اند. بعضی از پژوهشگران بیش از صد نفر از آنان را معرفی کرده‌اند.^۱

(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَنْكَرَ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ: هر که خروج مهدی علیه السلام را انکار کند پس به تحقیق کافر شده است.»^۲

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مهدی علیه السلام از خاندان من است و او از فرزندان دخترم فاطمه سلام الله علیها است.»^۳

(۲) مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه سلام الله علیها است (سنن، ابوداود، ج ۲، ص ۴۳۲ - سنن، ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸ - المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۷ - الکامل، ابن اثیر، ج ۳، ص ۴۲۸)

(۳) محل بیعت با مهدی علیه السلام در محل رکن و مقام (سنن، ابوداود، ج ۲، ص ۴۳۲ - مسند، احمد حنبل، ج ۲، ص ۳۱۲ - المستدرک، ج ۴، ص ۴۵۲)

(۴) لزوم پیوستن به مجاهدان و منتظران مهدی دادگستر (سنن، ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶ - المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۶ - میزان الاعتدال، ج ۴، ص ۴۲۳)

(۵) نزول حضرت عیسی علیه السلام و نماز خواندن به امامت مهدی علیه السلام (مستدرک، ج ۴، ص ۴۷۸ - صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۴۲ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۹۳ - الفتن والملاحم، ص ۳۱۹ - مسند، احمد حنبل، ج ۴، ص ۲۱۶)

^۱ - فقیه ایمانی، مهدی، مهدی منتظر در نهج البلاغه، اصفهان، کتابخانه عمومی امیر المؤمنین علی (ع)، ص ۲۳.

^۲ - عرف الوردی فی اخبار المهدی، نوشته جلال‌الدین سیوطی دانشمند بزرگ اهل تسنن

^۳ - الحاوی للفتاوی، جزء دوم، ص ۳۵۵ به نقل از ابوداود، ابن ماجه، طبرانی و حاکم

- ۶) وفور نعمت و ثروت در حکومت مهدی علیه السلام (مسند، احمد حنبل، ج ۵، ص ۲۷۷ - الاحسان، ج ۸، ص ۲۴۰)
- ۷) مهدی یکی از دوازده خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله است (صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۲۷ - صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۲۰۲ - مسند، احمد حنبل، ج ۵، ص ۸۷)
- ۸) زمین آکنده از ظلم و جور با ظهور مهدی علیه السلام هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله سرشار از عدل و داد خواهد شد (المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۲۰۱ - المطالب العالیه، ج ۵، ص ۷۷ - المعجم الاوسط، ج ۹، ص ۱۵۰)
- ۹) از نشانه‌های ظهور مهدی علیه السلام ندای آسمانی در لزوم پیروی از او (میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۶۲ - تلخیص المتاشبهه، خطیب بغدادی، ج ۱، ص ۴۱۷)
- ۱۰) شمار کسانی که با مهدی علیه السلام در رکن و مقام بیعت می‌کنند به شمار اصحاب بدر است (المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۶ - الفتن و الملاحم، ص ۱۹۰)

اصالت مهدویت

در کتب مقدس ادیان آسمانی پیش از اسلام (اناجیل اربعه، کتاب مزامیر، بشارات عهدین و ...) به آمدن منجی و مصلحی جهانی بشارت داده شده است که از آن نمونه‌اند:

«تمامی زمین از حضور او بلرزد، ربع مسکون نیز پایدار بماند و جنبش نخواهد خورد. قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد نمود. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد. صحرا و هر چه در آن

است به وجد آیند. آن گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند، زیرا که او می آید، زیرا که برای داوری جهان می آید.»^۱

«و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از سفر بر می گردد، تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید ایشان را بیدار یابد. شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید، پسر انسان می آید.»^۲

نظیر این مژده‌ها و بشارات به دفعات در دین مبین اسلام نیز مشاهده می شود و در این مطلب شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که موعود و منجی دین اسلام «مهدی» است. در زیر به یک نمونه از آیات قرآن که آمدن منجی را بشارت داده است اشاره می شود:

«اراده ما بر این قرار گرفته است که نعمت خود را بر مستضعفین تمام کرده و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم.»^۳

غیبت

پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «هر کس قائم علیه السلام از اولاد من را در دوران غیبتش انکار کند، به مرگ جاهلیت مرده است.»^۴

^۱ - کتاب مقدس - مزامیر - مزمور ۹۶ - باب ۱۳ - ۱۰

^۲ - انجیل لوقا - باب ۱۳ - بند ۴۱ - ۳۶

^۳ - سوره قصص / آیه ۵

^۴ - الاختصاص، شیخ مفید

غیبت در لغت به معنای «غایب بودن» و در لفظ عام به معنای «نبودن» است. این مفهوم در روایات در دو معنا به کار برده می‌شود:

معنای اوّل و اصلی غیبت معنایی است که امام صادق علیه السلام آن را بیان می‌کنند که «یرونه و لایعرفونه»؛ یعنی او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند و حضرت برای ایشان چهره‌ای ناشناس است. قرآن هم این‌گونه غیبت را در داستان حضرت یوسف علیه السلام بیان می‌کند، آن‌گاه که برادران حضرت یوسف علیه السلام او را دیدند اما نشناختند. پس ما با حضرت معاشرت داریم و آن بزرگوار را می‌بینیم ولی نمی‌شناسیم مگر این‌که خود ایشان اذن شناخت به ما بدهند.

در کنار معنای اول، معنای دیگری هم برای غیبت تعریف شده است که از آن تعبیر به «لایرونه» (نمی‌بینند) می‌شود. گاهی اوقات غیبت در این معنا اتفاق می‌افتد که نمونه‌هایی از آن در تاریخ وجود دارد و از آن جمله واقعه «لیلہ المبیت» است. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از مقابل کسانی که می‌خواستند ایشان را به قتل برسانند، عبور کردند و آن‌ها حضرت را ندیدند. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمایند: برای قائم علیه السلام دو غیبت است، در یکی از آن‌ها در موسم حج حاضر و شاهد بر مردم است، او مردم را می‌بیند اما مردم او را نمی‌بینند.^۱ اما نحوه استفاده و بهره‌مندی مردم در عصر غیبت از آن حضرت، به گونه‌ای است که خود آن بزرگوار بهترین تعریف را ارائه فرموده است: امام مانند «خورشید پشت ابر»

^۱ - اصول کافی ج ۱ ص ۳۳۹

به مردم بهره می‌رساند. اگر انسان توجّه کند که خورشید در آن موقعیت چگونه مفید فایده است، در می‌یابد که او تمام خصوصیات و ویژگی‌های خود را دارد و نور خود را به زمین می‌تاباند اما اهل زمین از دیدن خود خورشید محرومند و آن را نمی‌بینند. این مثل نشان می‌دهد که امام هم در دوران غیبت تمام وظایف امامت خود را انجام می‌دهند و اگر مردم به ایشان مراجعه کنند، بهره می‌برند و فقط از دیدن چهره دلربای او محرومند.

علل سیاسی - اجتماعی غیبت

شکی نیست که رهبری پیشوایان الهی به منظور هدایت مردم به سر منزل کمال مطلوب است و این امر در صورتی میسر است که آنها آمادگی بهره برداری از این هدایت الهی را داشته باشند. اگر چنین زمینه مساعدی در مردم وجود نداشته باشد، حضور پیشوایان آسمانی در بین مردم ثمری نخواهد داشت.

متأسفانه فشارها و تضییقاتی که بویژه از زمان امام جواد علیه السلام به بعد بر امامان وارد شد، و محدودیت‌های فوق العاده‌ای که برقرار گردید - به طوری که فعالیت‌های امام یازدهم و دوازدهم را به حداقل رسانید - نشان داد که زمینه مساعد جهت بهره‌مندی از هدایت‌ها و راهبری‌های امامان در جامعه (در حد نصاب لازم) وجود ندارد. از این رو حکمت الهی اقتضا کرد که پیشوای دوازدهم، غیبت اختیار کند تا موقعی که آمادگی لازم در جامعه به وجود آید. البته همه اسرار غیبت بر ما روشن نیست ولی در روایات اسلامی در زمینه علل و اسباب غیبت، روی سه موضوع تکیه شده است:

الف - آزمایش مردم

چنان که می‌دانیم یکی از سنت‌های ثابت الهی، آزمایش بندگان و انتخاب صالحان و گزینش پاکان است. صحنه زندگی همواره صحنه آزمایش است تا بندگان از این راه در پرتو ایمان و صبر و تسلیم خویش در پیروی از اوامر خداوند تربیت یافته و به کمال برسند و استعدادهای نهفته آنان شکوفا گردد.

در اثر غیبت حضرت مهدی علیه السلام، مردم آزمایش می‌شوند: گروهی که ایمان استواری ندارند، باطنشان ظاهر می‌شود و دستخوش شک و تردید می‌گردند و کسانی که ایمان در اعماق قلبشان ریشه دوانده است، به سبب انتظار ظهور آن حضرت و ایستادگی در برابر شداًد، پخته‌تر و شایسته‌تر می‌گردند و به درجات بلندی از اجر و پاداش الهی نائل می‌گردند. امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید، مبادا کسی شما را از دین خارج کند. او ناگزیر غیبتی خواهد داشت، به طوری که گروهی از مؤمنان از عقیده خویش بر می‌گردند. خداوند به وسیله غیبت، بندگان خویش را آزمایش می‌کند...^۱

^۱ - نعمانی، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ص ۱۵۴ - مجلسی، بحار الانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه ۱۳۹۳ ه.ق، ج

۵۱، ص ۱۵۰ و ر.ک به اصول کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ ه.ق، ج ۱، ص ۳۳۷.

ب - حفظ جان امام علیه السلام

خداوند، به وسیله غیبت، امام دوازدهم را از قتل حفظ کرده است، زیرا اگر آن حضرت از همان آغاز زندگی در میان مردم ظاهر می‌شد، بنابر دلایل سیاسی و فرهنگی آن برهه از زمان او را می‌کشتند. بر این اساس اگر پیش از موعد مناسب نیز ظاهر شود، باز جان او به خطر می‌افتد و به انجام ماموریت الهی و اهداف بلند اصلاحی خود موفق نمی‌گردد.

ج - آزادی از یوغ بیعت با طاغوت‌های زمان

پیشوای دوازدهم، هیچ رژیم را، حتی از روی تقیه، به رسمیت نشناخته و نمی‌شناسد. او مأمور به تقیه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت حکومت و سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد، چرا که مطابق وظیفه خود عمل می‌کند و دین خدا را به طور کامل و بی‌هیچ پرده پوشی و بیم و ملاحظه‌ای اجرا می‌کند. بنابراین جای هیچ عهد و میثاق و بیعت با کسی و مراعات و ملاحظه نسبت به دیگران باقی نمی‌ماند.

غیبت صغری و کبری

غیبت امام مهدی به دو دوره تقسیم می‌شود: «غیبت صغری» و «غیبت کبری». غیبت صغری از سال ۲۶۰ هجری (سال شهادت امام یازدهم) تا سال ۳۲۹ (سال درگذشت آخرین نایب

خاص امام) یعنی حدود ۶۹ سال بود.^۱ در دوران غیبت صغری، ارتباط شیعیان با امام بکلی قطع نبود و آنان، به گونه‌ای خاص و محدود، با امام ارتباط داشتند.

این دوره را می‌توان دوران آماده‌سازی شیعیان برای غیبت کبری دانست که طی آن، ارتباط شیعیان با امام، حتی در همین حد نیز قطع شد و مسلمانان موظف شدند در امور خود به نایبان عام آن حضرت، یعنی فقهای واجد شرائط و آشنایان به احکام اسلام، رجوع کنند.

اگر غیبت کبری یکباره و ناگهان رخ می‌داد، ممکن بود موجب انحراف افکار شود و ذهن‌ها آماده پذیرش آن نباشد. اما گذشته از زمینه‌سازی‌های مدبرانه امامان پیشین، در طول غیبت صغری، بتدریج ذهن‌ها آماده شد و بعد، مرحله غیبت کامل آغاز گردید. هم‌چنین امکان ارتباط نایبان خاص با امام در دوران غیبت صغری، و نیز شرفیابی برخی از شیعیان به محضر آن حضرت در این دوره، مسئله ولادت و حیات آن حضرت را بیشتر تثبیت کرد.^۲

با سپری شدن دوره غیبت صغری، غیبت کبری و دراز مدت امام آغاز گردید که تا کنون نیز ادامه دارد و پس از این نیز تا زمانی که خداوند اذن ظهور و قیام به آن حضرت بدهد، ادامه خواهد داشت.

^۱ - مرحوم شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از سال تولد آن حضرت (سال ۲۵۵) حساب کرده است (الارشاد، ص ۳۴۶) و با این محاسبه، دوران غیبت صغری، ۷۵ سال می‌شود. طبعاً نظریه مرحوم مفید از این لحاظ بوده است که حضرت مهدی در زمان حیات پدر نیز حضور و معاشرت چندانی با دیگران نداشته و از نظر کلی غایب محسوب می‌شده است.

^۲ - صدر، سید صدر الدین، المهدی، بیروت، دار الزهراء، ۱۳۹۸ ه.ق، ص ۱۸۳ - پیشوای دوازدهم امام زمان، نشریه مؤسسه در راه حق، ص ۳۸.

قیام حضرت مهدی علیه السلام

«بقیه الله خیر لکم ان کنتم مومنین(سوره هود آیه ۸۶)» بقیه در لغت به معنی باز مانده و یادگاری است که از دیگری به جای ماند یا کسی آن را از خود به جای نهد تمامی پیامبران و پیشوایان بزرگ الهی و تمامی انبیا و جانشینان انبیاء و تمامی ائمه بقیه الله هستند. شبلنجی دانشمند اهل سنت در کتاب نور الابصار ص ۱۷۲ و علامه ابن صباغ مالکی در کتاب الفصول المهمه باب ۱۲ روایت کرده‌اند که:

هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند پشت به کعبه دهد و یارانش نزد او گرد آید پس اولین چیزی که می‌گوید این آیه می‌باشد بقیه الله خیر لکم سپس می‌فرماید: منم بقیه الله... باقی گذارده خدا و خلیفه او و حجت او بر شما پس از آن کسی بر آن حضرت سلام نمی‌کند مگر این که می‌گوید: السلام علیک یا بقیه الله فی الارضه (سلام بر تو ای باقی گذارده خداوند در زمینش) پرفسور هانری کوربن(فیلسوف فرانسوی) می‌گوید: شیعه تنها مذهبی است که در آن ارتباط بین آسمان و زمین با ارتباط با مهدی برقرار می‌باشد. آری از این سلسله عظیم و کاروان بزرگ انبیاء و اوصیا و اولیای الهی که رابط بین آسمان و زمین بوده‌اند فقط یه شخص باقی مانده است آری فقط یک نفر (یعنی آخرین سفیر) یک نفری که رابط بین خدا و بندگان اوست نه تنها رابط که خلیفه خداوندی و بقیه الله (باقی گذارده خداوند در زمین) است.

«ان الساعه الله لازيب فيها (سوره حج آيه هفت)» سيوطي مفسر اهل سنت در تفسير خویش در مورد اين آيه از سنن ابی داود از تابو سعيد خدری صحابه معروف روايت کرده که رسول خدا فرموده ساعت برپای نشود تا وقتی مهدي از من در زمین به حکومت برسد.

«قل لا ینفع الدین کفرؤا ایمانهم ولا هم ینظرون (سوره سجدہ آیه ۲۹)» بگو روز پیروزی و فتح کسانی را که کفر ورزیدند ایمان آوردند سود نبخشد و به آنان مهلت داده نخواهد شد حافظ قندوزی از علمای اهل سنت حنفی در تفسیر این آیه روز فتح و پیروزی را روزی می‌داند که بر قائم گشوده می‌شود (به تسخیر او در می‌آید) و هیچ کس را که قبل از آن مومن نبوده است نزدیک شدن به ایمان سود نبخشد (ینابیع الموده ص ۵۱۱).

« فلا اخذ بالخنس (تکویر آیه ۱۵)»... پس سوگند یاد نکنم به بسیار پنهان شونده : حافظ قندوزی (حنفی) می‌گوید که: خنس امامی است که پنهان شود سپس مانند شهاب درخشنده آشکار شود (ینابیع الموده ص ۵۱۵)

وظایف منتظران

آن حضرت حقوق و وظایفی برگردن مردم خصوصاً شیعیان دارند که به نمونه‌هایی از آنها در ذیل اشاره می‌شود:

۱- شناخت حجّت خدا و امام عصر علیه السلام:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌شود که فرمودند: هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است. بنابراین یکی از وظایف مهم شیعه

شناخت امام زمان خود است. زیرا امامی که اطاعتش واجب است باید به درستی شناخته شود تا با اشخاص دیگری که ادعای مقام امامت می‌کنند، اشتباه گرفته نشود.

۲- پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها:

امام عصر علیه السلام می‌فرمایند: پس هر یک از شما باید آن‌چه را که موجب دوستی ما می‌شود پیشه خود سازد و از هر آن‌چه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری‌گزیند.

۳- بزرگداشت یاد و نام آن حضرت:

برخاستن به هنگام شنیدن نام آن حضرت، نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت، خواندن دعاهایی مانند ندبه، عهد، فرج و ... برای تجدید پیمان خود با ایشان، آغاز کردن هر روز با سلام به پیشگاه آن بزرگوار و صدقه دادن برای سلامتی آن امام از جمله اعمالی است که انسان می‌تواند برای بزرگداشت یاد و نام امام زمان علیه السلام انجام دهد و باید بدانیم که ایشان نیز ما را یاد می‌کنند هم‌چنان که فرموده‌اند: «ما از مراعات حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر این‌گونه بود، بلاها و مصائب بر سرتان فرود می‌آمد و دشمنان، شما را درهم می‌شکستند.»

۴- دعا برای تعجیل در ظهور:

یکی از مهم‌ترین وظایفی که بر عهده ما گذاشته‌اند این است:

«واكثروا الدعاء بتعجيل الفرغ فان ذلك فرجكم»

«برای فرج (ظهور) بسیار دعا کنید برآستی که به واسطه همان دعا کردن، کار شما گشایش

می‌یابد.»

آینده بشریت

ذهن بشر امروزی کوتاه‌تر از آن است که بتواند تصویر واقعی جهان در عصر بعد از ظهور را حتی در اندیشه خویش به دقت رسم کند. زیرا آن چه در دوران پس از ظهور آشکار می‌شود در بسیاری موارد در تمامی تاریخ بشر بی‌سابقه بوده است و اگر هم در برهه‌هایی از تاریخ، توسط انبیای عظام و یا اوصیای آنها نمونه‌هایی از آن ایجاد شده باشد، هم گذرا بوده است و هم محدود. زیرا در بسیاری از موارد حتی سفرای الهی نیز نتوانسته‌اند آن طرح‌های نیکوی خود را در عالم خارج تحقق بخشند و تلاش‌های آنان با اهریمن صفتی برخی، ناتمام مانده است و خود نیز در آن راه جان باخته‌اند. لذا فقط باید به توصیفات که از زبان وحی راجع به دوران ظهور شده است اکتفا کرد که ما در ادامه به گوشه‌هایی از ویژگی‌های منحصر به فرد آن دوران اشاره می‌کنیم.

۱- عدالت:

دامنه عدالت امام مهدی علیه السلام همه جا را فرا می‌گیرد؛ از ستم‌های فراگیر تا بی‌عدالتی در نظام خانه، از ظلم‌های اقتصادی تا خوردن مال دیگری به شوخی، از چپاولگری‌های بین‌المللی تا برگرفتن دانه‌ای کم ارزش از مال کودکی یتیم، از جنگ‌افروزی‌های جهانی تا آتش‌افروختن‌های در میان خانواده، از نظام خودتحمیلی فراگیر تا خودستایی در میان جمعی محدود و خلاصه مهدی علیه السلام آن‌چنان عدالتی را برای بشر به ارمغان می‌آورد که جهان چون آن را ندیده باشد. چنان‌که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف حضرتش

می‌فرماید: «أَوَّلُ الْعَدْلِ وَ آخِرِهِ: او ابتدای عدالت و نهایت آن است.»

۲- جوان‌گرایی :

یاران حضرت مهدی علیه السلام - همانانی که حکومت جهانی حضرتش را بر دوش خواهند کشید - بزرگوارانی هستند که بسان آنان در تاریخ بشر کم پیدا شده است. آنان افراد والاگه‌ری می‌باشند که از همه ویژگی‌های نیکو بهره‌ای دارند. آن‌چنان که از روایات متعدد در مورد یاوران آن حضرت نتیجه می‌شود، اکثریت اصحاب و کارگزاران حکومت مهدوی با جوانان است. به طوری که از تعداد پیران در جمع اصحاب حضرت به «كَالْمِلْحِ فِي الطَّعَامِ» یعنی به اندازه نمک در غذا تعبیر شده است.

۳- دانش و بینش :

آن‌چه از دانش در عصر همه پیامبران حتی در عصر اسلام توسط پیغمبر صلی الله علیه و آله و اوصیای گرامی‌اش آشکار شده، تنها دو حرف از ۲۷ حرف دانش است و در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام، ۲۵ حرف دیگر از آن آشکار خواهد شد که اصلاً در گذشته جهان سابقه نداشته است و حضرتش از نوامیس طبیعی چیزهایی را ظاهر می‌فرماید که اصلاً در اندیشه بشر امروزی جای ندارد. افزایش سطح دانش‌های باطنی، شکوفایی عقول بشر، بالا رفتن سطح تمدن و سلامت و بهداشت همگانی نیز از جمله مواردی هستند که در روزگار ظهور به صورت گسترده‌ای به وقوع می‌پیوندد.

موارد فراوانی از این ویژگی‌ها در احادیث و روایات وجود دارد که به جهت اختصار از بیان آن‌ها خودداری می‌شود.

در پایان، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که این مطالب قطره‌ای است از دریای بی‌کران معارف معصومین علیهم السلام که تماماً به صورت مستند از کتب معتبر گردآوری شده و امید آن داریم که مورد قبول و رضایت آن یگانه دوران "حضرت صاحب‌الزمان (عج)" واقع شده باشد و به‌راستی که باید گفت:

آب دریا را اگر نتوان کشید پس به قدر تشنگی باید چشید

بار دیگر از خداوند متعال خواستاریم که چشمان ما را به نور جمال آن حضرت روشن و آیام ظهور باشکوه آن مولا را نزدیک‌تر فرماید.

احادیث و روایات

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله:

مَنْ انكَرَ قَائِمٍ مِنْ وُلْدِي فَقَدْ انكَرَنِي

هرکس که فرزندم قائم را انکار کند، همانا مرا منکر شده است.

بحار الانوار / جلد ۵۲ / صفحه ۱۷۵

قال الصادق عليه السلام

مَنْ مَاتَ وَ هُوَ غَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ

آن کس که تا دم مرگ مقام امام زمانش را بشناسد، چه ظهور پیش افتد و یا پس، زیان

مراه العقول / جلد ۴ / صفحه ۱۸۹

نمی‌بیند.

قالت صديقه الكبرى سلام الله عليها:

وَ أَكْمَلَ ذَالِكَ بِابْنِهِ م ح م د رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ. عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ نَبَاهُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوب.

وسپس رشته امامت را به فرزند حضرت عسکری علیه السلام یعنی م ح م د به پایان می‌رسانم که او برای عالمیان رحمت است. او دارای کمال موسی، نورانیت عیسی و شکیبایی ایوب است.

اصول کافی / جلد ۱ / صفحه ۵۲۷ / روایت ۳

قال علی بن الحسین علیه السلام

مَنْ نَبَتَ عَلَيَّ مُوَلَاتِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمًا اعطَاهُ اللهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أَحَدٍ

آن کس که در مودت و دوستی، در دوران غیبت قائم ما ثابت و استوار بماند خدای متعال پاداش هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می‌فرماید.

کمال / باب ۳۱ / حدیث ۷

امام مهدی علیه السلام:

أَنَا غَيْرَ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاصِينَ لِذِكْرِكُمْ

همانا ما در رسیدگی به شما کوتاهی نمی‌کنیم و شما را از یاد نمی‌بریم.

بحار الانوار / جلد ۵۳ / باب ۲۱ / توفیق ۷

امام مهدی علیه السلام:

وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَالِكَ فَرَجُكُمْ

و برای تعجیل در فرج (من) بسیار دعا کنید، که همانا این (خود) گشایش کارهای شماست.

کمال الدین / جلد ۴ / باب ۵۰